

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به تبلیغ و نه ... تنها برای خواندنست و ...

۶۵

گاه روزانه های دیروز ... و امروز

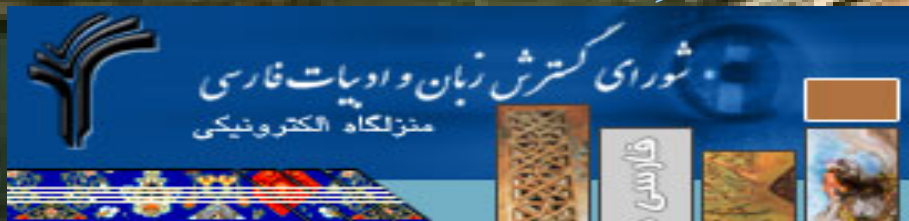


محمد ایل بیگی

با صفحه بندی دوباره و تعویض قلم

احمد پوراحمد: جغرافیای ایران

(تارنمای شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی)



http://www.persian-language.org/Iran_Culture/Geography.asp





جغرافیای ایران

دکتر احمد پوراحمد

گروه جغرافیا - دانشگاه تهران

موقعیت

ایران در نیمکره شمالی بین ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی از خط استوا و بین ۴۴ و ۶۳/۵ درجه طول شرقی از نیمروز گرینویچ واقع شده است که این موقعیت بیانگر آن است که ایران در منطقه معتدله قرار دارد. از این رو ایران در این عرض جغرافیایی، فاقد آب و هوای سرد است که معمولاً در عرضهای بلند وجود دارد و اگر در بعضی نقاط هوای زمستانی بسیار سرد است، بیشتر به سبب ارتفاع زیاد از سطح دریاست نه عرض جغرافیایی.

ایران از دو سوی شمال و جنوب به دریا دسترسی دارد. از سوی شمال، ایران با دریاچه خزر مجاور است. مجاورت با دریای خزر از نظر آب و هوایی موجب شده که استانهای ساحلی این کشور، مثل گیلان و مازندران و گلستان که بین کوهستانهای البرز از یکطرف و دریا از طرف دیگر محصور شده‌اند، کاملاً تحت تأثیر و نفوذ بادهای مرطوب این دریا قرار گیرند و میزان رطوبت زیاد، به ویژه وجود باران در فصل تابستان، در رشد پوشش گیاهی و ایجاد مناطق جنگلی مؤثر افتد.

دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان از نظر اتصال و ارتباط این کشور با کلیه کشورهای جهان از طریق آبهای آزاد، بسیار مهم و قابل توجه است، اگر چه از نظر آب و هوایی، به علت گرما و رطوبت زیاد تابستانی محیط گرم و مرطوبی در فصل تابستان به وجود می‌آورد.

از سوی دیگر، ایران در جنوب غربی آسیا واقع است، آسیای جنوب غربی، در حقیقت منطقه واسطه‌ای است واقع میان سه قاره آسیا، اروپا، آفریقا و ایران در این منطقه، از حوادث این سه قاره سخت متأثر است، زیرا هر نوع واقعه‌ای که در این قاره‌ها اتفاق افتد و یا رابطه و مرادده اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی بین این سه قاره برقرار شود، ناچار تأثیری در ایران خواهد گذاشت.

کشور ایران دارای شکلی شبیه به متوازی‌الاضلاع ناموزون است و طول یک قطر آن، از آزارات در شمال غربی کشور به خلیج گواتر در جنوب شرقی به وسعت ۲۲۵۰ کیلومتر و طول قطر دیگر آن از خرمشهر در ساحل خلیج فارس به سرخس در شمال شرقی ۱۴۰۰ کیلومتر است. در نتیجه، دو استان آذربایجان در شمال غربی ایران و سیستان و بلوچستان در منتهی‌الیه جنوب شرقی کشور، نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به تهران - پایتخت کشور - از سایر استانها دورتر هستند.

شکل جغرافیایی و وسعت خاک کشور از قرن هشتم پیش از میلاد، یعنی زمان حکومت مادها که اولین سلسله آریایی را تشکیل دادند تا حدود یک قرن پیش همواره متغیر بوده است.

ایران امروز، با وسعت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع معادل یک بیست و هفتم وسعت قاره آسیا و نزدیک به یک نودم خشکیهای جهان است. خاک ایران به تنهایی، بیشتر از مجموع مساحت شش کشور اروپایی آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، هلند و بلژیک است.

جنوبی‌ترین نقطه این سرزمین بندر «گواتر» و شمالی‌ترین نقطه آن «دامنه آزارات» است. شرقی‌ترین ناحیه ایران «کوهک» در مرز پاکستان و غربی‌ترین آبادی آن «بازرگان» در مرز ترکیه قرار دارد. اختلاف ساعت میان شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقاط مرزی ایران حدود یکساعت و هیجده دقیقه است.

ناهمواری های ایران

پیدایش چین خوردگیها و ناهمواریهای ایران نتیجه حرکات کوهزایی اواخر دوران سوم است که پیدایش این چین خوردگیها همزمان با پیدایش کوههای جنوب اروپا و آسیا بوده است.

در ایران نمونه‌های مشخص ناهمواری به صورت کوهستانهای بلند و پرحجم با دامنه‌های پرشیب و دره‌های تنگ و گذرگاهها یا به صورت سرزمینهای کمابیش هموار و یکنواخت دیده می‌شود.

۱. کوهستانها : بیش از نیمی از وسعت ایران پوشیده از کوههای بلند است. این کوهها یا مانند البرز در طول صدها کیلومتر چون دیواری کشیده شده و عبور از آن فقط از طریق گردنه‌های بلند و گذرگاهها عملی است، یا مانند زاگرس شامل رشته‌های مرتفع و موازی با دره‌های گود و دامنه‌های پرشیب است که نواحی داخلی ایران را از کناره خلیج فارس جدا می‌کند و تنها از راه دره‌های پرپیچ و خم رودها که در طول صدها هزار سال حفر شده‌اند، می‌توان از آنها عبور کرد.

۲. سرزمینهای هموار : در مقابل کوهستانهای بلند با دره‌های گود، پهنه‌های کم و بیش وسیع و همواری در داخل یا در حاشیه فلات ایران وجود دارد. این سرزمینها با وسعت و ارتفاع متفاوت در محل کوهپایه‌ها و یا در میان رشته کوهها گسترده شده‌اند. جلگه‌های ساحلی شمال و جنوب دشت لوت و دشت کویر نمونه‌هایی از آنها به شمار می‌روند.

تقسیم‌بندی ناهمواریهای ایران

ناهمواریهای ایران را می‌توان از نظر طبیعی و جهت برجستگی و شرایط خاص منطقه به چند دسته تقسیم کرد:

کوههای شمالی؛

کوههای غربی و جنوبی؛

کوههای شرقی؛

کوههای مرکزی؛

جلگه‌های ساحلی؛

چاله‌های داخلی.



۱- کوههای شمالی

این رشته عظیم کوهستانی مشتمل است بر کوههای آذربایجان در شمال غربی و ماسیف البرز در مرکز و کوههای خراسان در مشرق.

مهمترین کوههای آذربایجان، رشته کوههای قوسی شکل ارسباران واقع در ساحل رود ارس است. با قلّه «نشان کوه» به ارتفاع ۳۷۰۰ متر که از سوی غرب به آرات و از سوی شرق به کوههای تالش متصل می‌شود. این رشته کوهها دنباله رشته کوههای قفقاز به شمار می‌آیند که با دره عمیق رود ارس از یکدیگر جدا می‌شوند. در داخل فلات آذربایجان دو توده عظیم کوهستانی سهند و سبلان قرار گرفته که هر دو از کوههای آتشفشانی خاموش با چشمه‌های آب معدنی فراوان هستند.

بلندترین قلّه سهند ۳۷۱۰ متر و بلندترین قلّه مستوراز برف سبلان ۴۸۱۱ متر ارتفاع دارد.

ماسیف عظیم البرز که در دوران چین‌خوردگی آلپی تکوین یافته، با قللی مرتفع و دره‌هایی عمیق مانند سد عظیم قوسی شکل به طول تقریبی ۶۰۰ کیلومتر بین دریای خزر و فلات مرکزی ایران واقع شده است. این دیوار عظیم در غرب با دره عمیق سفیدرود از

کوههای تالش جدا شده، از سوی شرق به کوههای خراسان می‌پیوندد. عریض‌ترین و مرتفع‌ترین ناحیه این کوهستان قله دماوند به ارتفاع ۵۶۷۱ متر است و هر چه از دو سوی آن به طرف شرق و غرب پیش برویم، هم از ارتفاع و هم از عرض آن کاسته می‌شود.

کوههای خراسان در شمال شرقی ایران، دنباله کوههای البرز، قسمت سوم از کوههای شمالی ایران را تشکیل می‌دهد. این دسته از کوهها به صورت رشته قوسهای موازی از شاه کوه آغاز می‌شود و در جهت شمال غربی به جنوب شرقی تا هندوکش در افغانستان امتداد دارد. در میان این رشته کوههای موازی، دره‌ها و دشتهای وسیع وجود دارد که گاهی پهنای آنها در بعضی نقاط به حدود ۲۰۰ کیلومتر می‌رسد.

۲- کوههای غربی و جنوبی

در سراسر غرب ایران، سلسله جبال عظیم دیوار مانندی به صورت موازی از رشته‌های طاقدیسی کشیده شده که از کوههای آذربایجان، در شمال غرب ایران آغاز می‌شود و به طرف جنوب و جنوب شرقی تا سلسله جبال مکران در بلوچستان امتداد می‌یابد. این سلسله جبال که کوههای زاگرس و شاخه‌های آن را تشکیل می‌دهد، مجموعه پستی و بلندیهای منظم و ویژه‌ای است که در جنوب گسله‌های سراسری از کردستان جنوبی تا شمال تنگه هرمز گسترده شده است. زاگرس با جلگه‌های وسیع و دشتهای پهناوری چون جلگه کرمانشاه در غرب و جلگه شیراز در جنوب، از هم جدا شده و به قسمت‌های شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود.

ناحیه زاگرس شمالی که در جنوب کوههای آذربایجان قرار دارد بلندی ارتفاع آن نسبت به نواحی دیگر کمتر است و در مقابل دره‌های تنگ متعدد و کوه و کمرهای سخت‌تری دارد که ارتباطها را مشکل می‌کند.

زاگرس مرکزی، مانند البرز میانی، مشتمل بر بسیاری از قله بلند است که بیش از ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارند و در بیشتر ایام سال در زیر پوششی از برف مستورند. غالب این کوهها پوشیده از جنگلهای بلوط و نارون بوده و دامنه‌های آنها چراگاههای وسیع و محل بیلاق ایلات و عشایر کرد، لر و بختیاری است. مرتفع‌ترین ارتفاعات زاگرس به نام کوههای بختیاری در فاصله لرستان تا جلگه‌های شیراز واقع شده که از یک سو به فلات داخلی مرتبط است و از سوی دیگر به جلگه‌های خوزستان و ساحل خلیج فارس منتهی می‌شود. بلندترین نقطه آن زردکوه، ۴۵۴۷ متر ارتفاع دارد.

در نواحی جنوبی ایران، رشته کوههای ساحلی در امتداد خلیج فارس و دریای عمان کشیده شده و تا بلوچستان امتداد دارد. ارتفاع رشته‌های جنوبی کم است و هر قدر به ساحل نزدیک می‌شود، از ارتفاع آن کاسته می‌شود. مهم‌ترین کوههای این ناحیه تنگستان و لارستان است که به سوی شرق کشیده و به کوههای بشاگرد در ساحل دریای عمان متصل می‌شوند.

بشاگرد با ارتفاع ۲۱۶۱ متر در جنوب باتلاق جازموریان با جهت شرقی - غربی کشیده شده و تقسیم‌کننده آب میان دریای عمان و جازموریان است. این کوهها عموماً خشک‌اند و فاقد پوشش گیاهی و دارای گردنه‌ها و گذرگاههای صعب‌العبور هستند.

۳- کوههای شرقی

در مشرق ایران، از خراسان در شمال تا بلوچستان در جنوب، ارتفاعات متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را در سه واحد نسبتاً بزرگ کوهستانی خلاصه کرد: یکی واحد کوهستانی جام مرکب از ارتفاعات باخرز، کوه سرخ، کوه سیاه، کوه هشتادان در جنوب خراسان که این دسته از کوهها با اشکوبهای ضخیم از ورقه‌های نمک و سنگ آهک تشکیل یافته و عموماً جهت شرقی - غربی دارند. دیگری کوهها قائن در جنوب جام که به سبب قلّت بارندگی از مشخصات آن، خشکی و برهنگی است. ارتفاعات معروف آن کوه کلات، کوه سلیمان، کوه آهنگران و شاه کوه است. این دسته از کوهها در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد داشته و در جنوب شرقی به دشت لوت منتهی می‌شوند. دسته سوم سلسله جبال مکران در بلوچستان است که از حوالی زابل در سیستان آغاز می‌شود و تا ناحیه چهل پشت، آخرین نقطه سرحدی ایران در بلوچستان امتداد می‌یابد. ارتفاعات مهم آن، کوه پلنگان، کوه ملک سیاه، کوه آتشفشان خاموش تفتان به ارتفاع ۴۰۵۰ متر است.

۴- کوههای مرکزی

کوههای مرکزی ایران از تعدادی ارتفاعات غیرمنقطع رشته مانند در جهت شمال غربی به جنوب شرقی از حوالی کاشان تا فلات مرکزی بلوچستان ادامه دارد. عمده‌ترین کوههای رشته مرکزی، شامل قافلان کوه (در راه تهران - تبریز)، کوههای کرکس در جنوب کاشان، کوههای نائین در یزد، شیرکوه در جنوب غربی یزد، کوههای بارز و شهبواران در کرمان و کوه بزمان در مرکز بلوچستان است. نواحی مرکزی از نظر وجود کانهای مختلف اهمیت بسیار دارد و از مشخصات طبیعی آن، باران کم، تغییرات ناگهانی هوا، وزش بادهای سخت، قلّت رودخانه‌های دائمی و سیلابی بودن رودهاست. زراعت نیز محدود به بستر رودخانه‌ها یا دامنه کوهستانهاست.

۵- جلگه‌های ساحلی

جلگه‌های ساحلی دریای خزر: حاشیه باریک جنوبی دریای خزر که بلافاصله بعد از دریا آغاز می‌شود و امتداد آن تا دامنه‌های شمالی البرز می‌رسد، جلگه‌های ساحلی دریای خزر را تشکیل می‌دهد. طول جلگه‌های ساحلی دریای خزر حدود ۵۰۰ کیلومتر و عرض این جلگه‌ها در طول خود از آستارا تا رود گرگان همواره متغیر و غالباً کمتر از ۲۰ کیلومتر بوده است.

جلگه‌های ساحلی خلیج فارس و دریای عمان: جلگه‌های ساحلی جنوب ایران به طور تقریبی ۱۴۸۰ کیلومتر در مجاورت دو دریای عمان و خلیج فارس قرار دارد و رودخانه میناب، این منطقه ساحلی را به دو قسمت جلگه ساحلی خلیج فارس (از مصب اروند رود تا میناب) و جلگه ساحلی مکران (از میناب تا مرز پاکستان) تقسیم می‌کند. تنگه هرمز در ۸ کیلومتری بندرعباس حد فاصل میان این دو دریا قرار دارد.

۶- چاله‌های داخلی

فلات بزرگ ایران که بخش اعظم آن (حدود ۱/۲ مساحت ایران) از رشته‌های متوالی و پشت سر هم کوهها و مرتفعات پوشانیده شده، مانند حلقه‌ای تمام اطراف آن را محصور ساخته است. در داخل آن، میان کوههای البرز و خراسان و کوههای مرکزی و کوههای شرقی، بیابانهای داخلی ایران به مساحت تقریبی ۳۲۰،۰۰۰ کیلومتر مربع (در حدود یک پنجم مساحت کشور) قرار دارند که ارتفاعات آنها را به حوضه‌های چندی تقسیم می‌کند: مهمترین حوضه‌های آن یکی حوضه شمالی به نام کویر نمک و دیگری حوضه جنوبی به نام کویر لوت است.

کویر لوت : لوت در جنوب شرقی کشور واقع شده و در حدود ۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. لوت را از لحاظ شکل ناهمواری و پراکندگی عوارض جغرافیایی می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: لوت شمالی، لوت جنوبی و لوت مرکزی که وسیع‌ترین و نیز پست‌ترین بخش بیابان لوت است و در آن نمونه‌های کامل انواع عوارض مختلف بیابانی دیده می‌شود.

لوت، از لحاظ پوشش گیاهی بسیار فقیر و قسمت اعظم آن فاقد گیاه است. در هیچ قسمتی از ایران سرزمینی به این خشکی و کم‌گیاهی دیده نمی‌شود. منطقه فاقد حیات حدود ۲۰۰ کیلومتر طول و ۱۵۰ کیلومتر عرض دارد و قسمتهای مرکزی لوت مرکزی به کلی فاقد گیاه است.

کویر نمک : کویر نمک فضای وسیع و بستر پر شده یک چاله زمین‌شناسی است که در جنوب رشته جبال البرز میان خراسان و سیستان و قم و کاشان و یزد قرار گرفته است. طول آن از شرق به غرب ۶۰۰ کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب از ۱۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر است. سطح آن صاف و هموار با مختصر شیبی از کوهها به پست‌ترین نقطه منتهی می‌شود.

بخش بزرگی از کویر نمک را شن و سنگ‌ریزه پوشانده است که اغلب دستخوش باد قرار می‌گیرند. طوفانهای سخت، شن آمیخته به نمک را مانند امواج دریا به حرکت درمی‌آورد و گاهی به شکل تپه‌های طولانی به جا می‌گذارد. این تله‌های شنی که در اثر وزش باد تغییر جا می‌دهند، به تپه‌های ریگ روان معروفند.

کویر نمک از خشک‌ترین نواحی ایران است: میزان بارندگی حدود ۱۰۰ میلی‌متر و اختلاف درجه حرارت شبانه‌روز در سال بسیار زیاد و بین صفر و هفتاد درجه است.

آب و هوای ایران

ایران در منطقه معتدله خشک شمالی و در عرض متوسط روی کره زمین در ناحیه جنب استوایی و استوایی قرار دارد. همین موقع جغرافیایی با دوری از دریاها بزرگ، به ویژه جریان‌های هوایی موجب شده است تا آب و هوای ایران خشک و بَرّی باشد، اما به سبب

وسعت بسیار و وجود عوارض گوناگون طبیعی مانند ارتفاعات بلند در شمال و مغرب و پستیهای وسیع، چون دشتهای مرکزی در داخل فلات و افزون بر آن، مجاورت دریای خزر و خلیج فارس و اقیانوس هند - که هر یک از این اقلیمی جداگانه می‌سازند، ایران از اقلیم مختلف و آب و هوای متنوع برخوردار است. ایران فلاتی مرتفع، نزدیک به دشتهای وسیع آسیا که ارتفاع متوسط آن حدود ۱۲۰۰ متر از سطح دریاست. وضع چین خوردگیها و ارتفاعات که بلندی برخی از آنها از ۴۰۰۰ متر بیشتر است و وجود دریاهاى شمال و جنوب که دور از نواحی مرکزی قرار دارند، به ویژه وضع قرار گرفتن کوهها که بر گرد ایران حلقه زده‌اند این کشور را از جمله کشورهای نادر جهان قرار داده است که می‌توان در آن انواع آب و هوا را شاهد بود.

ارتفاع کوههای ایران بقدری بلند است که از تأثیر بادهای مرطوب دریای خزر، دریای مدیترانه و خلیج فارس در نواحی داخلی ایران جلوگیری می‌کند. به همین سبب، دامنه‌های خارجی این کوهها دارای آب و هوای مرطوب بوده و دامنه‌های داخلی آن خشک است. در کرانه‌های جنوبی دریای خزر، آب و هوا معتدل و میزان بارندگی آن به ویژه در سواحل غربی گیلان بیشتر از دیگر نقاط است. مقدار متوسط گرمای سالانه در حدود ۱۸ درجه سانتیگراد است. آب و هوای قسمت غربی کشور مدیترانه‌ای است و در نواحی جنوبی آن، آب و هوای نیمه صحرائی گرم نیز بر آن تأثیر می‌گذارد. در این نواحی، تابستانها با گرمای سختی در دره‌ها و هوای معتدل در ارتفاعات همراه بوده و در زمستانها هوای معتدل در دره‌ها و سرمای سخت در ارتفاعات حکمفرماست.

در نواحی جنوبی، با وجود هوای مرطوبی که در سرتاسر این منطقه حاکم است، میزان حرارت بالاست، به طوری که حداکثر گرما در خوزستان به ۵۴ درجه سانتیگراد نیز می‌رسد. از ویژگیهای این ناحیه تابستانهای گرم و زمستانهای معتدل است و اختلاف درجه حرارت در فصول مختلف و شب و روز زیاد نیست. به سبب وجود کوههای البرز در شمال و رشته کوههای زاگرس در غرب کشور، نواحی داخلی فلات ایران دارای آب و هوای خشک و بیابانی است. با توجه به مطالب بالا، سه نوع آب و هوا به طور کلی در ایران دیده می‌شود: آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی، آب و هوای معتدل کوهستانی و آب و هوای معتدل خزری.

آبهای ایران

رودهای ایران را از نظر مقدار آب آنها می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

یکی رودهای دائمی که پیوسته و به طور دائم در بستر آنها آب جریان دارد و دارای آبرگیر مشخص هستند و دیگری رودهای موقت یا فصلی که فقط در فصول پرباران آب دارند و در دیگر فصول، کم‌آب و بلکه خشک‌اند. رودهای ایران از حیث آبریزها به سه حوضه عمده تقسیم می‌شوند:

حوضه آبریز دریای خزر؛

حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان؛

حوضه آبریز داخلی.

حوضه آبریز دریای خزر: دریای خزر سطح مبنای رودخانه‌هایی است که آبهای ارتفاعات البرز، کوههای خراسان، کوههای کردستان و بخشی از فلات آذربایجان را از حوضه‌ای به مساحت تقریبی ۲۰۶۷۵۰ کیلومتر مربع کشیده و به حوضه جنوبی این دریا می‌رساند.

مهمترین رودخانه‌های این حوضه از مغرب به مشرق عبارتند از: ارس، سفیدروس، چالوس، هراز، گرگان و اترک.

حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان : این حوضه وسیع‌ترین حوضه آبریز ایران و از کردستان غربی تا بلوچستان شرقی شامل مجموع ناهمواریهای زاگرس و ارتفاعات جنوبی جازموریان است. الوند و زردکوه دو منبع بزرگ تأمین آب رودخانه‌های عظیم این حوضه به شمار می‌آیند و غالب رودخانه‌هایی که در پیچ و خم دره‌های زاگرس غلتیده و آبهای کف‌آلود را از دره‌ای به دره دیگر منتقل ساخته، سپس در جلگه خوزستان گسترش می‌یابند، از این منابع سرشار سرچشمه می‌گیرند. مهمترین رودخانه‌های این حوضه از مغرب به مشرق عبارتند از: گاماساب، کارون، جراحی، شور و میناب.

حوضه‌های آبریز داخلی : بین رشته کوههای زاگرس و رشته کوههای مرکزی، همچنین میان کوههای مرکزی و رشته کوههای شرقی، حوضه‌های پست داخلی قرار گرفته‌اند که همگی ظاهری کاسه مانند (ناودیس) دارند. صفت مشترک رودخانه‌های تابع این حوضه‌های نامنظم و قلیل، یک دوره کوتاه طغیان و کاهش سریع مقدار آب است و هر قدر به طرف مشرق نزدیک شویم، بستر رودخانه‌ها در فصول گرما خشک شده و وسعت سطوح مبنا که معمولاً گودالهای کوچک و پراکنده هستند، محدودتر می‌شود. حوضه‌های آبریز داخلی با توجه به موقعیت جغرافیایی، تفاوت آب و هوا و اختلاف ارتفاع سطح پایه شبکه آبها به شرح زیرند:

حوضه آبریز غربی؛

حوضه‌های آبریز مرکزی؛

حوضه‌های آبریز شرقی.

حوضه آبریز غربی (دریاچه اورمیه): دریاچه اورمیه در ارتفاع ۱۲۲۵ متر از سطح دریا واقع شده و وسعت آن به ۶۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌شود. این گودال حوضه وسیعی را تشکیل می‌دهد که رود ارس و ارتفاعات سهند و سبلان حد شمالی و شرقی، دره سفیدرود و کوههای کردستان حد جنوب شرقی و جنوبی، و کوههای مرزی حد غربی آن را تشکیل می‌دهند. آب دریاچه بسیار شور و تلخ و املاح آن در حدود ۲۳٪ است، به علت زیادی املاح، به جز موجودات ذره‌بینی محدودی، هیچ نوع ماهی و جانوری در آن زندگی نمی‌کند. در وسط دریاچه حدود ۵۶ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که از همه معروفتر جزیره اسلامی (شاهی) است که قسمت شرقی آن در موقع پس‌روی آب به شبه جزیره تبدیل می‌شود.

چشمه‌های آب معدنی شامل آبهای گوگردی و گازدار و قلیایی و نمکی و غیره در ارتفاعات دریاچه وجود دارد که از نظر بهداشتی و درمانی مفیدند. در فصل تابستان، مردم برای استفاده از این چشمه‌ها و نیز گل و لای و لجنهای اطراف دریاچه به بنادر آن روی می‌آورند. مهمترین رودهای این حوضه عبارتند از: تلخه رود، زرینه رود، سیمینه رود.

حوضه‌های آبریز مرکزی : در فاصله کوههای بینالود و آلاداغ درخراسان، دامنه جنوبی البرز در شمال، پیشکوههای داخلی زاگرس در مغرب و جنوب و دامنه‌های غربی کوههای کرمان و طبس، حوضه‌های آبریز پهناور مرکزی ایران را تشکیل می‌دهند که مساحت آن بیش از ۴۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع است. این حوضه‌ها عبارتند از:

حوضه آبریز دریاچه قم (دریاچه نمک)؛

حوضه آبریز باتلاق گاوخونی؛

حوضه آبریز دریاچه‌های نیریز، مهارلو، پریشان.

حوضه‌های آبریز شرقی: در مشرق ایران در حد فاصل بین فلات ایران و افغانستان منطقه پستی قرار دارد که از شمال به جنوب از مجموعه‌ای از عوارض مرکب از دره‌ها و دشت‌ها، گودالها و باتلاقها تشکیل یافته و منطقه‌ای طبیعی در حد فاصل این دو فالت ایجاد کرده است.

هریرو که در سرحد ایران «تجن» نامیده می‌شود، پس از خروج از افغانستان دره خود را در همین سرزمین پست رو به شمال حفر کرده و بخشی از بستر آن مرز ایران با افغانستان است. رود هیرمند نیز که قسمت اعظم آبهای افغانستان را به سوی جنوب می‌کشد، در بستر سفلی به قسمت جنوبی این اراضی پست پیوسته و سطح اساس خود را در گودالهای وسیع آن به دست می‌آورد. بزرگترین حوضه‌های آبریز این منطقه که مهمترین حوضه‌های شرقی ایران نیز محسوب می‌شود، دریاچه هامون و باتلاق جازموریان است.

آبهای زیر زمینی

متوسط بارندگی در ایران ۲۵۰ الی ۳۰۰ میلی‌متر است و مردم ایران از روزگاران گذشته، کمبود آب را با توسعه فعالیت‌های صحیح و دامنه‌دار آبیاری و آبیایی حل کرده‌اند و از جمله این فعالیتها استفاده از آبهای زیرزمینی است. بنابراین شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که پایه‌های تمدن ایران باستان تا حد بسیاری بر اصول آبیاری مصنوعی استوار بوده و خدماتی که ایرانیان طی تاریخ خود در این زمینه انجام داده‌اند، در نوع خود بی‌نظیر و از لحاظ فنی قابل تحسین و شگفت‌انگیز است. شیوه‌های استفاده از منابع آبهای زیرزمینی متفاوت است. آبهای زیرزمینی ممکن است خود به طور طبیعی از زمین خارج شود و جریان یابد (مثل چشمه‌ها) یا در اثر کندن و حفر قسمتی از زمین آن را خارج کنند و مورد استفاده قرار دهند (مثل چاه و قنات). بنابراین خروج آبهای زیرزمینی به سه وسیله چشمه، چاه و قنات امکان پذیر است.

دریاهای ایران

۱- خلیج فارس:

خلیج فارس به وسعت حدود ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع در جنوب و میان ایران و شبه جزیره عربستان واقع شده و با دریای عمان از طریق تنگه هرمز مربوط است. طول آن از دهانه اروندرود در شمال غربی تا تنگه هرمز در جنوب شرقی حدود ۸۰۵ کیلومتر است و عرض میان ۵۶ تا ۲۸۸ کیلومتر متفاوت است. عمق آن چندان زیاد نیست: حداکثر ژرفای آن ۱۸۲ متر در رأس المسندم و حداقل ۳۰ متر در دهانه اروندرود است. سراسر ضلع شمالی آن را سواحل ایران دربرگرفته است و در مساحت کمی از گوشه شمال غربی آن کشورهای کویت و عراق قرار دارند.

در کف خلیج فارس برآمدگیهای سنگی و مرجانی وجود دارد که محل صید مروارید است. در فلات قاره و در اعماق آبهای خلیج فارس مخازن و میدانهای وسیع نفتی قرار دارد که بر اثر استخراج نفت در پیرامون خلیج فارس، از اهمیت بازرگانی خاصی برخوردار شده است.

خلیج فارس دریایی است آزاد که ایران را وسیله راه تنگه هرمز و از طریق آبهای اقیانوس هند، با سایر آبها و ممالک دنیا مربوط می‌کند. این خلیج از آنجا که سر راه خطوط دریایی خاورمیانه واقع شده از نظر استراتژیکی نیز اهمیت دارد. به موازات ساحل دریا، رشته کوههایی قرار دارند که در بعضی نقاط این ارتفاعات به دریا منتهی می‌شوند و گاهی هم از دریا دور شده دشتهایی میان دریا و ارتفاعات قرار می‌گیرد.

بخش عمده صید ماهی کشور در سواحل جنوبی ایران صورت می‌گیرد. به عبارتی، حدود ۷۸ درصد صید منابع آبی کشور در سواحل جنوبی انجام می‌شود. مهمترین انواع ماهیان دریاهای جنوب عبارتند از: حلوا، شیرماهی، شوریده، قباد، سرخو، سنگسر و غیره.

۲- دریای عمان :

دریای عمان، شاید بهتر است بگوییم که خلیج عمان پیشروی آب اقیانوس هند است به داخل خشکی در جنوب غربی آسیا. این خلیج در حقیقت از سه سو به خشکی و از یک سو به دریای آزاد مرتبط است. شمال آن ایران و پاکستان، شرق آن شبه جزیره دکن و غرب آن شبه جزیره عربستان قرار دارد. تنها از سوی جنوب، این دریا به اقیانوس هند متصل است. سواحل جنوبی ایران از تنگه هرمز تا بندر گواتر مجاور آن است و این مسافت $\frac{1}{2}$ کناره‌های جنوبی ایران را تشکیل می‌دهد. مدار رأس‌السرطان از شمال آن عبور می‌کند و از این رو این خلیج در منطقه گرم کره زمین واقع است. حداکثر درجه حرارت سطح آب در مرداد ماه ۳۳ درجه و دردی ماه دست کم $19/8$ است. طول آن از تنگه هرمز تا دکن حدود ۶۱۰ کیلومتر و عرض آن کمتر از عرض آبهای خلیج فارس است. مساحت آن ۹۰۳ هزار کیلومتر مربع در مقابل عمق آن از خلیج فارس بیشتر است. عمق این خلیج در اطراف چاه‌بهار حدود ۳۳۹۸ متر است. هر چه به سوی غرب پیش برویم، عمق آن به سرعت کم می‌شود تا جایی که در نزدیکی تنگه هرمز به ۷۳ متر می‌رسد.

بنادر کوچکی چون جاسک - چاه‌بهار - گواتر در کنار این خلیج‌ها دیده می‌شوند که بیانگر بازرگانی و دریانوردی تقریباً محدود آن است.

۳- دریاچه خزر:

بزرگترین دریاچه جهان خزر، دریاچه‌ای است که به سبب وسعت زیاد $6/5$ برابر دریاچه اورال و 13 برابر دریاچه بایکال و زمانی تمامی سطح خشکیهای آسیای جنوب باختری را می‌پوشانید، از همان زمانهای پیش دریا خوانده می‌شد.

این دریا میان ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان قرار گرفته و این کشورها از منابع آن به طور مشترک استفاده می‌کنند. از 6380 کیلومتر طول سواحل دریای خزر به حدود 922 کیلومتر از آستارا تا رود اترک متعلق به ایران است.

مساحت این دریا حدود 424 هزار کیلومترمربع است. ژرفای دریاچه خزر در حوضه شمالی بسیار کم، تقریباً چهار پنجم وسعتش دارای ژرفای کمتر از 10 متر است، تا جایی که بخش وسیعی از خزر شمالی به قدری کم‌ژرفاست که فقط کرجیهای بسیار کوچک می‌توانند در

آن رفت و آمد کنند. ژرفای متوسط این حوضه حدود ۶/۲ متر است. در حوضه جنوبی، ژرفای دریا نسبت به حوضه شمالی بیشتر است و به حدود ۹۶۰ تا ۱۰۰۰ متر می‌رسد و متوسط آن ۳۲۵ متر است. دریای خزر از نظر ژرفا و ویژگیهای دیگر، از شمال به جنوب به سه حوضه تقسیم می‌شود. حوضه جنوبی یا خزر جنوبی که به سواحل ایران منتهی می‌شود، دارای شکلی تقریباً مربع است و وسعت این حوضه حدود ۱۵۵۵ کیلومتر مربع است که حدود ۳۶٪ از مجموع وسعت دریا را شامل می‌شود.

دریای خزر از نظر صید ماهی اهمیت بسیار دارد و ماهیان خاویاری دریای خزر دارای شهرت جهانی هستند. سالیانه حدود ۳۰۰ تن خاویار از صید این ماهیها به دست می‌آید. در دریای خزر، حدود ۱۰۰ گونه ماهی زندگی می‌کند که در حال حاضر تنها حدود ۱۵ نوع آن مورد بهره‌برداری است.

جزایر ایران

جزایر عمده ایران را در خلیج فارس می‌توان به شرح زیر برشمرد:

جزیره هرمز: طول محیط این جزیره بیضی شکل حدود ۶۰۰۰ متر است و در مدخل خلیج فارس به سبب موقعیت جغرافیایی آن، مجاورت با تنگه هرمز به عرض حداقل ۵۶ کیلومتر و به عمق حداکثر ۱۱۵ متر از نظر نظامی و بازرگانی از اهمیت خاصی برخوردار است. آلبوکرک دریاسالار پرتغالی در سال ۸۸۶ ش. (۱۵۰۷ م.) این جزیره را تسخیر کرد و با ایجاد استحکامات نظامی، بیش از یک قرن تا دوران شاه عباس صفوی (۱۶۲۲ م.) بر کرانه‌های خلیج فارس تسلط داشت. هم‌اکنون آثار و خرابه‌های قلعه پرتغالیها در شمال جزیره در نزدیکی آبادیهای فعلی دیده می‌شود.

جزیره خارک: خارک به طول تقریبی ۱۰ کیلومتر و عرض از ۴ تا ۵ کیلومتر، جزیره‌ای است مرجانی، در ساحل خلیج فارس، شمال غربی بندر بوشهر، که تا این بندر حدود ۶۵ کیلومتر فاصله دارد.

جزیره خارک برای ایجاد لنگرگاهها، با مزایای طبیعی و سواحل عمیق آن، برای پهلو گرفتن نفت‌کشهای اقیانوس‌پیما بسیار مناسب است، به ویژه که قشر سنگی چون پشته‌ای که سطح جزیره را پوشانده، در وسط جزیره به بلندی ۶۰ متر می‌رسد و این بلندیها موجب می‌شوند بندرگاههای شرقی خارک را در مقابل شدت جریان باد که در جهت شمال غربی و جنوب شرقی می‌وزند، محفوظ نگاهدارند. اگر کارشناسان، اکنون این جزیره را به عنوان مرکز تأسیسات عظیم صدور نفت برگزیده‌اند، دریانوردان خلیج فارس نیز در ادوار گذشته از آن برای پهلو گرفتن کشتیها استفاده می‌کردند.

جزیره قشم: این جزیره در نزدیکی تنگه هرمز، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین جزیره خلیج فارس است. سواحل آن برای ایجاد لنگرگاه مناسب است. اطراف آن را کوههای آهکی فرا گرفته و اراضی داخلی دارای چراگاههای مناسب احشام، همچنین مستعد برای کشت و زرع و ایجاد باغهای میوه و نخلستان است. در این جزیره، معادن نمک و خاک سرخ یافت می‌شود.

جزیره کیش : جزیره کیش با وسعت حدود ۸۵ کیلومتر مربع پس از قشم، از دیگر جزایر ایران در خلیج فارس اهمیت بیشتری دارد. بخش بزرگ مساحت آن مسطح و مستعد کشاورزی است و دارای نخلستانهای متعدد. در این جزیره در سالهای اخیر به عنوان یک منطقه آزاد تجاری، تأسیساتی به منظور جلب بازرگانان و جهانگردان داخلی و خارجی دایر شده است.

جزیره هنگام : این جزیره با آبادیهای کوچک خود جمعاً به وسعت حدود ۵۰ کیلومترمربع در جنوب جزیره قشم واقع شده و دارای معادن نمک و خاک سرخ و سرب است. صید ماهی از اشتغالات عمده ساکنان آن به شمار می‌رود.

جزیره لارک : به مساحت تقریبی ۸۳ کیلومتر مربع در جنوب جزیره هرمز واقع شده، عمق دریا در اطراف جزیره نسبتاً زیاد است. ارتفاعات آن نمکی و دارای معادن سنگ آهن است و معیشت معدود ساکنان آن از راه پرورش دام و صید ماهی تأمین می‌شود.

جزیره لاوان (شیخ شعیب) : به وسعت تقریبی ۱۲۰ کیلومتر مربع در شمال غربی جزیره کیش، به فاصله ۱۸ کیلومتری ساحل قرار گرفته و مردم آنجا بیشتر به صید مروارید اشتغال دارند. این جزیره به سبب عملیات شرکت نفت لاوان، اهمیت پیدا کرده است.

جزایر تنب کوچک و تنب بزرگ : این دو جزیره، به فاصله ۱۲ کیلومتر از همدیگر در جنوب جزیره قشم واقع شده‌اند. ساکنان تنب بزرگ از راه صید ماهی و مروارید امرار معاش می‌کنند.

جزیره ابوموسی : به مساحت تقریبی ۲۰ کیلومتر مربع با مختصر کشاورزی در جنوب بندر لنگه واقع شده و ساکنان اندک آن از طریق صید ماهی و مروارید ارتزاق می‌کنند.

جزیره هندورابی : به مساحت تقریبی ۳۶ کیلومترمربع در ۷۶ کیلومتری بندر لنگه از جزایر ایرانی ساحل خلیج فارس است. ساکنان جزیره هندورابی بیشتر به صید ماهی و مروارید اشتغال دارند، و گروه اندکی نیز به کشاورزی می‌پردازند.

چشم انداز گیاهی و جانوری ایران

در جاهای مختلف ایران، پوشش گیاهی و زندگی جانوری متنوعی دیده می‌شود. این تنوع بستگی به وضع طبیعی و آب و هوا دارد. مرز قطعی نواحی گیاهی و جانوری کاملاً مشخص نیست، ولی با توجه به آب و هوا، تفاوت میان گیاهان و جانوران در سه ناحیه معتدل خزری، معتدل کوهستانی و ناحیه بیابانی و نیمه بیابانی دیده می‌شود.

چشم‌انداز گیاهی و جانوری در ناحیه خزری : پوشش گیاهی ناحیه خزری، شامل جنگلهای انبوه، نیمه انبوه و چمنزارهای سرسبز دائمی و پهناراست. علت این امر، بارش فراوان، خاک مساعد و دمای ملایم است که موجب پیدایش پوشش گیاهی پیوسته و ممتد در آن شده است.

مساحت جنگلهای شمال حدود ۱/۸۴۰/۰۰۰ هکتار است و دامنه شمالی سلسله جبال البرز را پوشانیده است. این جنگلها از بجنورد تا آستارا کشیده شده و جنگلهای ناحیه خزری پوشیده از درختان پهن برگ از نوع بلوط، سپیدار، راش، افرا و غیره است.

جانوران ناحیه خزری نیز متنوع اند و در جنگلهای این ناحیه، گربه وحشی، گرگ، شغال، گراز، خرس و خوک وحشی زندگی می کنند. در مردابها و برکه ها و باتلاقهای این ناحیه قورباغه، مار، سنگ پشت، خرچنگ و همچنین انواع پرندگان مانند مرغابی، غاز، قو، و حواصیل به ویژه در فصل پاییز و زمستان به فراوانی یافت می شوند. همچنین دریای خزر و رودهای آن زیستگاه انواع مختلف ماهی است.

چشم انداز گیاهی و حیوانی در ناحیه معتدل کوهستانی : ناحیه کوهستانی ایران از پوشش گیاهی ممتدی برخوردار نیست. در جاهایی که برف و باران بیشتری می بارد و تبخیر به علت پایین بودن دما به کندی صورت می گیرد، رویش گیاهان بیشتر است و در آنجا جنگل نیز دیده می شود. در جاهایی که رطوبت کمتر و ضخامت خاک کمتر است، گیاهان کمتری می روید.

جنگلهای ناحیه کوهستانی در بعضی جاها تَتُک و فاقد گیاهان زیردرختی هستند و در برخی جاها انبوهترند و در زیر آنها درختچه های گوناگون می رویند. بارزترین این جنگلها، جنگلهای غرب ایران است و از آنجایی که بیشتر درختان بلوط است، به جنگلهای بلوط معروفند. بیشتر قسمتهای کردستان، باختران، لرستان، کوههای چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و کوههای بخش کازرون فارس از جنگلهای بلوط پوشیده شده است. مساحت جنگلهای بلوط را روی هم رفته ۱۰ میلیون هکتار برآورد کرده اند. تقریباً یک دهم این جنگلها انبوه و بقیه تنک اند. در این جنگلها درختان میوه از قبیل گلابی، انجیر، پسته و بادام وحشی وجود دارد.

چشم انداز گیاهی و حیوانی در ناحیه بیابانی و نیمه بیابانی : در ناحیه بیابانی ایران به علت باران کم و نامنظم و تبخیر زیاد و وزش باد، پوشش گیاهی ممتدی وجود ندارد. در این ناحیه تنها گیاهانی می توانند رشد کنند که در مقابل گرما و خشکی هوا مقاومت داشته باشند. این گیاهان بسیار محدود و با فاصله رویده اند. در این ناحیه، به ویژه در نواحی شرقی استان فارس، مرکز کویر نمک، کرمان، رفسنجان، حوالی یزد و انارک، نواحی جنوبی خراسان و کوههای شاهسواران و بارز جنگلهای پسته که اغلب آنها را «بنه» نیز می نامند، همراه درختان بادام وحشی دیده می شوند. مساحت این جنگلها را ۲/۴۰۰/۰۰۰ هکتار برآورد کرده اند. همچنین در کرانه های دریای عمان و خلیج فارس جنگلهای گرمسیری به صورت پراکنده دیده می شوند که درختان آنها عبارتند از: گز، کهور، کنار آگاسیا و درخت حرا (در سواحل خلیج فارس) که برگ آن مصرف علوفه دارد.

جانورانی که در این ناحیه زندگی می کنند عبارتند از: آهو، یوزپلنگ، گورخر و پرندگانی از قبیل پلیکان، فلامینگو، و درنا. همچنین در کناره های دریای جنوب و میان آنها سنگ پشت، ستاره دریایی، میگو، خرچنگ، صدف و انواع مختلف ماهیها وجود دارند.

واحد جغرافیایی ویژه‌ای از قاره آسیاست که کشور جمهوری اسلامی ایران نیز در آن واقع شده است. موقعیت عمومی و جغرافیایی فلات ایران که در جنوب غربی آسیا به صورت پلی میان سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا واقع شده است، به نحو بارزی در اوضاع سیاسی و نوسانات مرزهای آن مؤثر بوده است و اغلب در معرض تجاوز اقوام مختلف قرار گرفته و گاهی هم بیگانگان مدتی بر آن تسلط یافته‌اند. مرز طبیعی فلات ایران در شمال جلگه ماوراءالنهر و دریای خزر و جلگه کورا، در مغرب جلگه بین‌النهرین، در جنوب شرقی و مشرق رود سند و در جنوب خلیج فارس و دریای عمان و جزایر آن است. حدود ۹۰٪ از خاک ایران در محدوده فلات ایران واقع شده است.

مرزهای سیاسی کنونی ایران

کشور ایران بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر با کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق مرز خشکی مشترک دارد. اگر کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان و مازندران را به آن بیفزاییم، طول مرزهای ایران به حدود ۸۷۰۰ کیلومتر می‌رسد. طول مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق در مقایسه با مرزهای ایران با دیگر کشورهای همسایه در مقام اول است. کوتاهترین مرزهای ایران در میان کشورهای مجاور، مرز ایران و ارمنستان است. مرزهای سیاسی کنونی ایران به مرزهای شمالی، مرزهای شرقی، مرزهای غربی و مرزهای جنوبی تقسیم می‌شود.

۱- مرزهای شمالی: ایران از سوی شمال با کشورهای ترکمنستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان هم‌مرز است و خط مرزی ایران و جمهوریهای شوروی سابق که قسمتی از آن را مرز آبی دریای خزر و مرزهای رودخانه‌ای تشکیل می‌دهد، جمعاً در حدود ۲۶۴۳ کیلومتر است.

۲- مرزهای شرقی: کشور جمهوری اسلامی ایران از سمت شرق با کشورهای افغانستان و پاکستان هم‌مرز است. ایران با افغانستان در طول خطی از دهانه ذوالفقار (نقطه مرزی مشترک بین ایران و افغانستان و ترکمنستان) در شمال تا کوه ملک سیاه در جنوب (نقطه مرزی با پاکستان) حد مشترک دارد. طول این خط مرزی در حدود ۹۴۵ کیلومتر است.

مرز ایران و پاکستان، زمانی که پاکستان ضمیمه هند و از متصرفات انگلستان محسوب می‌شد، به دست مأموران انگلیسی تعیین و به موجب پروتکل‌های ۱۲۸۸ق. پس از گذشتن از رودخانه ماشکید در کنار دریای عمان در جنوب تا کوه ملک سیاه (نقطه مرزی ایران و افغانستان و بلوچستان) در شمال تعیین گردید. طول خطوط مرزی ایران و پاکستان در حدود ۹۸۷ کیلومتر است.

۳- مرزهای غربی: با تشکیل دولت جدید ترکیه پس از جنگ جهانی اول، ایران در غرب با کشور مذکور همسایه و هم‌مرز شد. طول خطوط مرزی ایران و ترکیه در حدود ۴۸۶ کیلومتر است.

مرز ایران و عراق: خط مرزی ایران و عراق در واقع همان مرز قدیمی ایران و عثمانی است که در جنوب از تقسیم‌گاه آب اروند روند آغاز می‌شود، سپس به سوی شمال از بیابان عبور می‌کند و از داخل هورالعظیم می‌گذرد و پس از پشت سر گذاشتن عارضه‌های متعدد

جغرافیایی، به جنوب دهلران می‌رسد. در این ناحیه تا قصرشیرین خط مرزی ایران و عراق از پای آخرین ارتفاعات ایلام می‌گذرد، پس از قصرشیرین از بخش کم‌ارتفاعی گذشته، به کوه دالامپیر نقطه مرزی ایران و عراق و ترکیه می‌رسد. طول این مرز در حدود ۱۶۰۹ کیلومتر است.

۴- مرزهای آبی جنوب: موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب بهترین و مطمئن‌ترین موقع سیاسی را برای مرزهای جنوبی ایران فراهم ساخته است. خط ساحلی جنوب به طول ۱۸۸۰ کیلومتر شامل کرانه‌های شمالی دریای عمان و تمام کرانه‌های شمالی خلیج فارس و بخشی از اروندرود که از مصب آن تا دهانه نهرخین و نیز تقسیم‌گاه آب شط (تالوگ)، مرز ایران و عراق است.

دین و مذهب و زبان

دین رسمی مردم ایران، اسلام و مذهب رسمی، شیعه اثنی عشری است. مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل‌اند. ۹۹/۵٪ از مردم ایران مسلمانند و ۹۱٪ آنها شیعه هستند. اقلیتهای مذهبی که در ایران به رسمیت شناخته شده‌اند، عبارتند از: مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان و پیروان سایر ادیان.

زبان رسمی و خط رایج ایران، فارسی است به جز فارسی، زبانهای دیگری مانند ترکی، کردی، عربی، گیلکی و بلوچی نیز در نقاط مختلف کشور تکلم می‌شود. از زبانهای خارجی رایج در ایران، در درجه اول انگلیسی و سپس عربی و فرانسه کاربرد دارد.

جمعیت و پراکندگی آن

براساس آخرین نتایج آمارگیری جمعیت در آبان سال ۱۳۷۵، جمعیت کشور ۶۰/۰۵ میلیون نفر است که ۳۶/۸ میلیون نفر (۶۱/۳٪) آن شهری و ۲۳ میلیون نفر (۳۸/۳٪) در نقاط روستایی و بقیه غیرساکن هستند.

تحول رشد جمعیت ایران

جمعیت ایران طی هفتاد سال اخیر از حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ شمسی به ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است. میزان این افزایش در تمام دوره ۷۰ ساله یکسان نبوده و رشد شتابان آن از سال ۱۳۳۰ آغاز و تنها طی ۴۰ سال حدود ۳/۵ برابر شده و از ۱۷ میلیون نفر به ۶۰ میلیون نفر رسیده است.

با توجه به روند جمعیت گذشته و سرشماریهای انجام شده، رشد سالیانه جمعیت تحول چشمگیری داشته است. بیشترین رشد جمعیتی در خلال سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کشور به علت مهاجرپذیری کشور به ویژه از افغانستان بوده است و پس از آن با کوششهای به عمل آمده تا سال ۱۳۷۵ رو به کاهش گذارده است. میزان رشد جمعیت بین سالهای ۷۰ تا ۷۵ به میزان ۱/۴۷ درصد برآورد شده است. رشد سریع جمعیت در ایران، اثر برنامه‌ریزیهای اقتصادی، اجتماعی را خنثی و موضوع کنترل جمعیت را بطور جدی مطرح کرده است.

رشد طبیعی جمعیت کشور ایران در حال حاضر حدود ۱/۴۱٪ در سال است؛ یعنی در هر سال ۱/۲ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شود.

از نظر تعداد جمعیت، ایران در میان کشورهای همجوار در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۳۵۸ به ترتیب پس از پاکستان، ترکیه و مصر در مقام چهارم قرار داشت، ولی به دلیل افزایش سریع جمعیت ایران در سالهای اخیر، جمعیت کشور ما از سال ۱۳۷۱ به مرتبه دوم پس از پاکستان رسیده است. بنابراین ضرورت تنظیم رشد جمعیت برای کشورهای در حال توسعه جهان، به ویژه ایران امری حیاتی است.

ساخت جنسی و سنی

در آبان ۱۳۷۵، از ۶۰۰۵۵۴۸۸ نفر جمعیت کشور، ۳۰۵۱۵۱۵۹ نفر مرد و ۲۹۵۴۰۳۲۹ نفر زن بوده‌اند که در نتیجه، نسبت جنسی برابر ۱۰۳ به دست می‌آید. به عبارت دیگر، درمقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۳ نفر مرد وجود داشته است.

۷۵/۶ درصد جمعیت کل کشور را جمعیت ده ساله و بیشتر تشکیل می‌دهد. از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر روستایی ۳۷/۶ درصد فعال و از این جمعیت فعال ۹۰/۶ درصد شاغل و مابقی بیکاراند.

ساخت سنی جمعیت ایران همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، بسیار جوان است به طوری که ۵۶ درصد جمعیت کشور را افراد کمتر از ۲۰ سال تشکیل می‌دهند.

نوع خانوار و پراکندگی آن

در آبان ۱۳۷۵، از کل خانوارهای معمولی کشور، ۹۹/۶۹ درصد را خانوارهای معمولی ساکن تشکیل می‌داده‌اند. از این تعداد، ۶۴/۱۲ درصد در نقاط شهری و ۳۵/۵۷ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. در کل کشور، میانگین تعداد افراد در خانوارهای معمولی، ۴/۷۷ نفر به دست آمده است. این میانگین برای خانوارهای شهری، ۴/۵۶ نفر، برای خانوارهای روستایی، ۵/۱۴ نفر و برای خانوارهای غیرساکن، ۵/۴۳ نفر بوده است.

توزیع جمعیت

توزیع مکانی جمعیت در سطح کشور ناموزون بوده و عوامل جغرافیایی، بسیار متأثر است. هر چند در دهه‌های اخیر این تأثیر تا حدودی کاهش یافته است، اما هنوز عامل عمده در پراکندگی جمعیت ایران محسوب می‌شود. نیمه غربی به دلیل برخورداری از محیطی مساعدتر نسبت به نیمه شرقی، از تراکم جمعیت بیشتری برخوردار است. تمام استانهای این بخش به جز ایلام، تراکم بیشتری از تراکم متوسط کشور یعنی ۳۵ نفر در کیلومترمربع دارند. با توجه به متوسط تراکم جمعیت کشور، نواحی کم تراکم و پرتراکم جمعیت از نظر جغرافیایی معنی‌دار خواهد بود. بدین ترتیب نیمه شرقی کشور از تراکمی کمتر از تراکم متوسط کشور برخوردار است. کمبود منابع آب در اثر بارش کم، وجود زمینهای کویری و شوره‌زار، کمبود زمین با خاک مناسب و وجود اقلیم خشک و نامناسب از عوامل اصلی این تراکم ناچیز جمعیت است. پرتراکم‌ترین استان ایران استان تهران است که در سال ۱۳۷۰ حدود ۳۷۰ نفر در هر کیلومتر مربع جمعیت داشته است.

کشاورزی و منابع طبیعی در ایران

سرزمین ایران به طور کلی کوهستانی و نیمه خشک محسوب می‌شود. بیش از نیمی از مساحت کشور را کوهها و ارتفاعات، یک چهارم آن را صحراها و کمتر از یک چهارم دیگر را نیز زمینهای قابل کشت تشکیل داده است.

منابع آب کشور در ۸ منطقه تقسیم‌بندی شده است که هر کدام از آنها شامل چند حوزه آبریز است.



سطح کشور به ۳۷ حوزه و ۱۴۷ زیرحوزه و ۵۹۸ دشت تقسیم شده است. در هر یک از زیر حوزه‌ها، دشتهایی با مساحت‌های متفاوت وجود دارد که شهرها، آبادیها و محدوده‌های کشاورزی غالباً در آنها قرار گرفته‌اند.

مشخصات کشاورزی

ایران، علاوه بر گستردگی زمینهای مستعد کشاورزی، از مزیت تنوع آب و هوایی بسیار برخوردار است، ولی کمبود نزولات آسمانی و توزیع نامناسب آن، محدودیت منابع آب و ناهمواریها، استفاده کامل از زمینهای قابل کشت را ناممکن ساخته است.

به طور کلی، نزدیک به ۳۱ درصد خاک ایران، یعنی حدود ۵۱ میلیون هکتار، دارای استعداد خوب و گاه متوسط کشاورزی است. هنوز ۶۴ درصد منابع خاک دارای استعداد کشاورزی، بالغ بر ۳۳ میلیون هکتار، برای تولید به کار گرفته نشده است. از ۱۸/۷ میلیون هکتار اراضی واقع در چرخه تولید با نرخ ۵۰ - ۶۰ درصد بهره‌وری استفاده شده است و هر ساله سطح وسیعی نیز به صورت آیش (کشت نشده) می‌ماند.

ایران با دسترسی به منابع عظیم انرژیهای فسیلی در جهان از اهمیت بسیاری برخوردار است. کشور ما با داشتن ۱۲ درصد از کل گاز طبیعی کشف شده جهان در مقام دوم و در سطح منطقه خاورمیانه در مقام اول قرار دارد. از نظر منابع نفتی در سطح جهان مقام ششم و در خاورمیانه در مقام چهارم پس از عربستان، عراق و امارات واقع شده است.

زغال سنگ: منابع اصلی زغال سنگ ایران در البرز شرقی، البرز مرکزی، البرز غربی، خراسان و کرمان واقع شده است. ایران از نظر منابع زغال سنگ در خاورمیانه دارای مقام اول است.

زغال سنگ در کارخانه ذوب آهن به صورت زغال کمک (زغال صنعتی) مصرف دارد. این ماده صنعتی سالانه ۱/۵ میلیون تن در ایران استخراج می‌شود.

گاز طبیعی: منابع گاز طبیعی به دو صورت در مخازن زیرزمینی یافت می‌شود: یکی به صورت همراه با مخازن نفتی و دیگری به صورت ذخایر مستقل. گاز طبیعی از بهترین سوختهای فسیلی محسوب می‌شود، زیرا خاکستر بر جای نمی‌گذارد و محیط را آلوده نمی‌کند؛ به علاوه، نسبت به دیگر منابع انرژی ارزانتر است.

ایران با حدود ۱۵ تریلیون مترمکعب ذخایر کشف شده، دومین کشور دارنده گاز طبیعی در جهان محسوب می‌شود و تقریباً هر ساله نیز ذخایر جدیدتری از این منبع انرژی در ایران کشف می‌شود. گاز طبیعی را پس از تصفیه در پالایشگاه از طریق لوله به مراکز مصرف انتقال می‌دهند.

به طور کلی منابع گاز طبیعی شهرها و روستاهای ایران از چهار ناحیه تأمین می‌شود:

۱- ناحیه آغاچاری و پالایشگاه بید بلند در خوزستان؛ ۲- ناحیه کنگان و پالایشگاه کنگان در بوشهر؛ ۳- جزیره قشم و سرخون در هرمزگان؛ ۴- ناحیه خانگیران و گنبدلی و پالایشگاه سرخس در خراسان.

تا سالهای اخیر، مصرف گاز طبیعی در ایران در حد بسیار پایینی قرار داشت، ولی دولت جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است تا لوله‌کشی گاز و مصرف آن را توسعه دهد.

نفت : جهان امروز روانه حدود ۶۵ میلیون بشکه نفت مصرف می کند که حدود ۳۰ درصد آن در منطقه خاورمیانه تولید می شود. ایران پس از عربستان مهم ترین تولیدکننده نفت در منطقه خاورمیانه محسوب می گردد. در سال ۱۳۷۱ سهمیه تولید نفت برای ایران از سوی اوپک ۳/۵ میلیون بشکه تعیین شده است که دومین کشور مهم تولیدکننده در میان کشورهای اوپک محسوب می شود.

منابع نفتی که تاکنون در ایران مورد بهره برداری قرار گرفته عمدتاً در دونا حیه واقع شده است: ناحیه اول در جنوب ایران و در منطقه زاگرس در خوزستان و فلات قاره در کف خلیج فارس و ناحیه دوم در غرب استان کرمانشاه و در ناحیه مرزی نفت شهر.

انرژی الکتریکی : در ایران تولید برق به دو طریق صورت می گیرد: تولید برق از طریق سوخته های فسیلی (برق حرارتی) و تولید برق از طریق سدها (برق آبی). به دلیل وجود انرژی فسیلی فراوان در ایران و ارزانی آن و همچنین فقدان رودخانه های پرآب، قسمت عمده برق تولیدی ایران برق حرارتی است. سوخت نیروگاه های ایران را به ترتیب گاز طبیعی، نفت کوره و گازوئیل تشکیل می دهد. دولت طی برنامه های آینده در نظر دارد، تمام نیروگاه های در مسیر لوله گاز را به سوخت تجهیز کند. سیستم انتقال برق در ایران به طریق کابل های هوایی انجام می گیرد. ولتاژ برق در ایران برای مصرف خانگی ۲۲۰ ولت و برای مصرف صنعتی ۳۸۰ ولت است.

تقسیمات کشوری

در تیرماه سال ۱۳۷۷، ایران از نظر تقسیمات کشوری دارای ۲۸ استان، ۲۸۲ شهرستان، ۷۴۱ بخش، ۷۱۶ شهر، ۲۲۵۸ دهستان و بیش از ۶۸۱۲۵ آبادی دارای سکنه بوده است.

ردیف	استان	تأسیس	ردیف	استان	تأسیس
۱	آذربایجان شرقی	۱۳۱۶	۱۵	قزوین	۱۳۷۶
۲	آذربایجان غربی	۱۳۱۶	۱۶	قم	۱۳۷۵
۳	اردبیل	۱۳۷۲	۱۷	کردستان	۱۳۳۷
۴	اصفهان	۱۳۱۶	۱۸	کرمان	۱۳۱۶
۵	ایلام	۱۳۵۳	۱۹	کرمانشاه	۱۳۱۶
۶	بوشهر	۱۳۵۲	۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۵۵
۷	تهران	۱۳۵۷	۲۱	گلستان	۱۳۷۶
۸	چهارمحال و بختیاری	۱۳۵۲	۲۲	گیلان	۱۳۱۶
۹	خراسان	۱۳۱۶	۲۳	لرستان	۱۳۵۲
۱۰	خوزستان	۱۳۱۶	۲۴	مازندران	۱۳۱۶
۱۱	زنجان	۱۳۵۲	۲۵	مرکزی	۱۳۲۶
۱۲	سمنان	۱۳۵۵	۲۶	هرمزگان	۱۳۴۶
۱۳	سیستان و بلوچستان	۱۳۳۶	۲۷	همدان	۱۳۵۲
۱۴	فارس	۱۳۱۶	۲۸	یزد	۱۳۵۲

پایتخت

کلان شهر تهران با جمعیتی بالغ بر ۷ میلیون نفر، به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران، مهم ترین مرکز سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی ایران و منطقه است.

استان تهران : از شمال با استان مازندران و گیلان، از شرق با استان سمنان، و از جنوب و غرب با استانهای قم، مرکزی، همدان و زنجان و استان قزوین همسایه است. از نظر موقعیت نسبی جغرافیایی، این استان در غرب دشت کویر و جنوب رشته کوههای البرز واقع شده است.

به لحاظ موقعیت، استان تهران در بخش مرکزی ایران قرار گرفته است امکان دسترسی به همه نقاط کشور را تقریباً فراهم می‌کند. قرار گرفتن در دامنه‌های جنوبی کوههای البرز به عنوان یک عامل دفاعی، از گذشته زمینه لازم را برای تجمع جمعیت فراهم کرده و در حال حاضر این ارتفاعات تأمین‌کننده بخشی از آب موردنیاز مصرفی در بخش کشاورزی و شرب جمعیت ساکن در این استان است. شیب این استان، از سمت شمال به جنوب است و به سبب همواری بخشهای وسیعی از این استان، امکان استقرار سکونتگاهها و طبعاً جمعیت را فراهم آورده است. وضعیت آب و هوایی آن، شرایط مناسب زندگی را مهیا می‌کند. زمستانهای کوتاه و اعتدال هوا در فصول پاییز و بهار، به همراه ریزشهای جوئی مناسب و کافی برای کشت محصولات مختلف و رطوبت نسبی کم، از دیگر ویژگیهای اقلیمی این استان است.



ویژگی جمعیت : استان تهران در سال ۱۳۷۵، بیش از ۹ میلیون نفر جمعیت داشته است. به بیان دیگر، این استان با مساحتی حدود ۲/۲ درصد از کل مساحت کشور ۱۶/۲ درصد جمعیت ایران را در خود جای داده است.

استان تهران با داشتن تراکم متوسط ۲۷۰ نفر در کیلومتر مربع، پرتراکم‌ترین استان محسوب می‌شود. به سبب تفاوت‌های جغرافیایی، جمعیت در سطح استان یکسان توزیع نشده است. توزیع جغرافیایی جمعیت در سطح استان، نشان می‌دهد که شهرستانهایی که در دشت تهران و کرج واقع شده‌اند، با برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب، بیشترین تراکم جمعیت، و شهرستانهای نواحی کوهستانی شمال استان و همچنین نواحی حاشیه کویر به سبب نامساعد بودن محیط جغرافیایی، کمترین تراکم جمعیت را دارند.

استان تهران از نظر جمعیت، در میان استانهای کشور، دارای این ویژگیهاست:

۱- پرجمعیت‌ترین استان کشور است؛ ۲- پرتراکم‌ترین استان کشور است؛ ۳- دارای کمترین نسبت جمعیت روستانشین است؛ ۴- از بیشترین درصد افزایش جمعیت در سال برخوردار است.

شهر تهران جزو یکی از دوازده شهرستان استان تهران به شمار می‌آید.

این شهرستان ۱۵۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد و پرجمعیت‌ترین شهرستان استان و پرجمعیت‌ترین شهر کشور است و در سطح کشور به کانون اصلی فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است. در شهر تهران مراکز فرهنگی و تفریحی ملی ایران که دارای مجموعه بسیار ارزشمندی از آثار فرهنگی تمدنهای دوره باستان و دوره اسلامی است، کتابخانه ملی ایران که غنی‌ترین

کتابخانه کشور محسوب می‌شود، همچنین مجموعه کاخهای سابق، پارکها و فضاهای سبز و فرهنگسراها و موارد دیدنی دیگر از جمله مراکز دیدنی این شهر، ملی محسوب می‌شوند.

ویژگیهای اقتصادی تهران: تهران به لحاظ تمرکز اداری - سیاسی، در فعالیتهای اقتصادی کشور، دارای نقش بسیار مهمی است. این نقش چنان با اهمیت است که می‌توانیم آن را به مثابه قطب اقتصادی کشور بدانیم. از نظر فعالیت اقتصادی در بخشهای سه‌گانه (صنعت، کشاورزی، خدمات)، استان تهران میان استانهای کشور، دارای ویژگی خاصی است. در این استان، کشاورزی نسبت به بخشهای دیگر اقتصادی، اهمیت چندانی ندارد و در مقایسه با کل کشور سهم ناچیزی از شاغلین در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. این بخش، فقط برای ۵ درصد از کل شاغلین استان، اشتغال ایجاد کرده است. در حالی که بخشهای خدمات و صنعت، ۹۵ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده است. در این میان، بخش خدمات به دلیل افزایش کارهای غیرتولیدی برای دو سوم شاغلین این استان اشتغال فراهم کرده است. یک سوم کارگاههای بزرگ صنعتی ایران در استان تهران واقع شده است. همچنین بیش از یک سوم کارکنان این گونه کارگاههای ایران در این استان مشغول به کارند. این در حالی است که مساحت این استان فقط یک هشتم درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. تمرکز بیش از حد صنایع در این استان، ناشی از سیاستهای اقتصادی کشور در دوران پیش از انقلاب و وجود مرکز سیاسی - اداری کشور، یعنی شهر تهران و وجود زیرساختهای موردنیاز صنایع نظیر راه، فرودگاه، آب، برق، تلفن و ارتباطات پیشرفته و دسترسی به بازار بزرگ شهر تهران بوده است. اگرچه دولت در اوایل دهه ۱۳۵۰ بر اثر تمرکز صنایع در تهران، ضوابطی تعیین کرد که بر مبنای آن ایجاد صنایع، مگر در موارد استثنایی تا ۱۲۰ کیلومتری شهر تهران ممنوع شده بود، اما باز هم تمرکز و تجمع صنایع در اطراف تهران به عناوین مختلف ادامه یافت. ولی این ضوابط تا حدود بسیاری در کند کردن تجمع بیش از حد صنایع در این استان تأثیر چشمگیری داشته است. پس از انقلاب، و به ویژه از اوایل دهه ۱۳۶۰ نیز این ضوابط با شدت بیشتری ادامه داشته است. در نتیجه، نسبت درصد کارگاههای بزرگ صنعتی استان تهران به کل کشور، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ رو به کاهش بوده است. اکنون دولت با توجه به عواقب نگران‌کننده تمرکز صنعتی در این استان، کوشش بیشتری در جهت توزیع متناسب صنایع در سطح کشور، خاصه در نقاط محروم دارد.

حکومت و قوای سه‌گانه

رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی(ره)، اساس حکومت اسلامی را در این کشور بنیان نهاد. حکومت جمهوری اسلامی بر مبنای ارزشها و اصول اسلامی شکل گرفته و رهبری حکومت اسلامی با فقیه‌ای است که آگاه به مسائل زمان است.

ارکان حکومت جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱- قوه مقننه:

قوه مقننه وظیفه قانونگذاری را برعهده دارد. در ایران مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان دورکن اصلی قوه مقننه هستند. همه قوانین درمجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسند. نظام جمهوری اسلامی در قانون اساسی نظام یک مجلسی را پذیرفته و درچارچوب ساختار ناشی از آن عمل می‌کند.

مجلس شورای اسلامی، از نمایندگان مردم تشکیل یافته که هر چهار سال یکبار از طرف مردم انتخاب می‌شوند.

این مجلس ۲۷۰ نماینده دارد و از سال ۱۳۶۸ به بعد هر ده سال حداکثر ۲۰ نفر بر آن افزوده می‌شود.

مجلس به لحاظ ساختاری، از جلسات عمومی، کمیسیونها و واحدهای اداری و پشتیبانی داخلی تشکیل می‌شود و یک مؤسسه وابسته، تشکیلات آن را تکمیل می‌کند.

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلامی و احکام قانون اساسی، شورایی به نام شورای نگهبان عهده‌دار این مهم گردیده است. این شورا دوازده عضو یعنی شش عضو فقیه عادل و آگاه با انتخاب‌ربری و شش نفر حقوقدان مسلمان در رشته‌های مختلف حقوقی دارد که به پیشنهاد رییس قوه قضاییه و انتخاب مجلس برگزیده می‌شوند.

کلیه مصوبات مجلس با وجود شورای نگهبان اعتبار دارد و این شورا علاوه بر نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان بر صلاحیت کاندیداها و صحت انتخابات نظارت می‌کند.

۲- قوه مجریه :

این قوه مسؤولیت اجرای قوانین را برعهده دارد و معمولاً از دولت و سازمانهایی که تحت نظر دولت به اجرای قوانین می‌پردازند تشکیل می‌شود. در کشور ما اداره امور عمومی و اعمال قوه مجریه بجز در اموری که مستقیماً زیر نظر مقام رهبری است (فرماندهی نیروهای مسلح) از سوی رییس جمهور، هیئت وزیران و وزراء صورت می‌گیرد. رییس قوه مجریه «رییس جمهور» است که هر چهار سال یک بار از سوی مردم انتخاب می‌شود.

در آخرین انتخابات ریاست جمهوری ایران که در دوم خرداد ماه سال ۱۳۷۶ برگزار شد ۲۹/۷۶۰/۰۷۰ نفر شرکت کردند که در نتیجه سید محمد خاتمی با ۲۰/۰۷۸/۱۸۷ میلیون نفر رأی برگزیده شد.

صلاحیت‌های سیاسی و اداری ارکان قوه مجریه :

الف) رییس جمهور : ریاست قوه مجریه، ریاست هیئت وزیران، نظارت بر کار وزراء، ایجاد هماهنگی میان تصمیمات وزراء و هیأت وزیران، تعیین خط مشی‌های دولت؛ مسؤولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور؛ امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها،

موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت با دیگر دولتها و همچنین پیمانهای بین‌المللی پس از تصویب مجلس؛ امضای استوارنامه‌های سفرای ایران در خارج و پذیرش استوارنامه سفیران کشورهای خارجی در ایران؛ اعطای نشانهای دولتی؛ عزل و نصب وزراء؛ تعیین سرپرست برای وزارتخانه‌های بدون وزیر.

ب) هیئت وزیران: هیئت وزیران یا هیئت دولت یا کابینه‌ای که ریاست آن با رئیس جمهور است، از مجموع وزیران تشکیل می‌شود و معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی، می‌تواند اداره هیأت وزیران را برعهده گیرد. سایر معاونان رئیس جمهور عهده‌دار مسؤولیت مؤسسات و سازمانهایی هستند که مستقیماً زیر نظر رئیس جمهور قرار دارند. سازمان تربیت بدنی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور اداری و استخدامی کشور از جمله این سازمانها هستند.

۱- وزارت آموزش و پرورش؛ ۲- وزارت اطلاعات، ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ ۴- وزارت امور خارجه؛ ۵- وزارت امور خارجه؛ ۶- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۷- وزارت پست و تلگراف و تلفن؛ ۸- وزارت تعاون؛ ۹- وزارت جهاد سازندگی؛ ۱۰- وزارت دادگستری؛ ۱۱- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ ۱۲- وزارت راه و ترابری؛ ۱۳- وزارت صنایع؛ ۱۴- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ ۱۵- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۶- وزارت کار و امور اجتماعی؛ ۱۷- وزارت کشاورزی؛ ۱۸- وزارت کشور؛ ۱۹- وزارت مسکن و شهرسازی؛ ۲۰- وزارت معادن و فلزات؛ ۲۱- وزارت نفت؛ ۲۲- وزارت نیرو.

۳- قوه قضائیه :

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت است.

وظایف اساسی این قوه به این شرح است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند؛ ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع؛ ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ ۴- کشف جرم و تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۴- رهبری :

رهبر جمهوری اسلامی که فقیه‌ای عادل و مطلع از امور زمان و سیاستمداران درستکار است، (بر کار هر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه نظارت دارد). رهبر با اختیاراتی که به موجب قانون اساسی به او محول شده است، از طریق تعیین فقهای شورای نگهبان بر قوه مقننه، از

طریق نصب رییس قوه قضائیه بر قوه قضائیه و از طریق امضای حکم ریاست جمهوری (به عنوان رییس قوه مجریه) و نیز امضای حکم عزل او از این مقام (پس از رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی وی) بر قوه مجریه نظارت دارد.

۵- مجلس خبرگان :

وظیفه مجلس خبرگان که از متخصصان امور دینی تشکیل شده است. انتخاب رهبر و نیز تشخیص عدم صلاحیت رهبری براساس معیارهای قانون اساسی است. اعضای مجلس خبرگان را مردم انتخاب می کنند.

منابع :

- اهلرزا، اکارت، ایران : مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی، ج / اول، جغرافیای طبیعی، ترجمه محمد تقی رهنمایی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۶۵.

- بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، (جلد اول و دوم)، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.

- جغرافیای کامل ایران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۶۶.

- جهانفر، محمد، جمعیت شناسی ایران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴.

- دیپلانول، مطالعاتی درباره جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۸.

- دفتر تقسیمات کشوری، وزارت کشور، معاونت سیاسی و اجتماعی، نشریه شماره ۲ تقسیمات کشوری، ۱۳۷۷.

- رهنمایی، محمد تقی، توانهای محیطی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی ایران، ۱۳۷۰.

- سالنامه های آماری مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.

- محمودی، فرج الله و عظیمی، ناصر، جغرافیای ایران (۲)، وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی، ۱۳۷۶.

– نجمی، ناصر، ایران قدیم و تهران قدیم، انتشارات جازاده، ۱۳۶۶.

– وزارت کشاورزی، کشاورزی ایران در یک نگاه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی، تهران، ۱۳۷۶.